

«هو الحکیم»

عنوان:

حاملین وحی معصوم و حجت هستند



دکتر باقر پورکاشانی

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى الْيَاصِحِّ ابْنِ الزَّمَانِ



『@SERATEHAGHI』

خداوند متعال وحی را نسبت به شایستگان خودش قرار داده، در پرتوئه این‌ها می‌توانیم هدایت بیابیم و این‌ها را مجهز کرده به سلاح عصمت، معصومشان هم قرار داده که اشتباه نکنند، اگر چنان‌چه به انبیاء وحی می‌داد، شیطان هم می‌توانست القاء بکند و نمی‌توانستند تشخیص بدهند، عصمت نمی‌داد این اشکال بود چون به همان اندازه ممکن بود اشتباه بکنند مردم را به اعوجاج برسانند. این‌ها را به عنوان حجج خود، حجت قرار داد حجت در زمین، میزان قرار داده! لذا؛ وقتی ما نگاه می‌کنم، روایات هم در این زمینه فراوان، مثلاً فرض بکنیم که روایت معروفی که در مرآة العقول آمده، در بحارالانوار آمده، در جاهای مختلف آمده که؛ تعبیر این است که؛ بله، حضرت موسی بن جعفر علیه‌السلام فرمودند به هشام، یا هشام؛ «إِنَّ لِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حُجَّتَيْنِ: حُجَّةَ ظَاهِرَةً، وَ حُجَّةَ بَاطِنَةً، فَأَمَّا الظَّاهِرَةُ فَالرُّسُلُ وَ الْأَنْبِيَاءُ وَ الْأُئِمَّةُ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، وَ أَمَّا الْبَاطِنَةُ فَالْعُقُولُ».

می‌گه؛ حجت دو تا حجت است! یا ظاهر است یا باطن، ظاهر چیست؟ رسل، انبیاء، ائمه اگر وحی برای ما بود، و ما! چرا ما را نیاورده، حجت چون وحی به این‌ها قرار داده، این‌ها معصوم هستند! این‌ها میزان هستند! و حجت باطنی چیست؟ عقول را برای ما قرار داده، بله اما نگفته که حجت ظاهری شما هم هستید! غیر معصوم هم هست، اگر وحی به همه نازل می‌شد، همه می‌شدند حجت ظاهری!

چرا گفته فقط؛ «فَأَمَّا الظَّاهِرَةُ فَالرُّسُلُ وَ الْأَنْبِيَاءُ وَ الْأَئِمَّةُ». چرا چنین گفته؟! عقل را داده به عنوان حجت باطنی که ما میز بدھیم که این حجت از ناحیهی خدا آمده یا نه از ناحیهی خدا نیامده! لذا؛ حضرت رضا علیه السلام فرمودند که؛ از امام رضا علیه السلام سؤال می کنند «فَمَا الْحُجَّةُ عَلَى الْخَلْقِ الْيَوْمَ» چیه بر خلقی حجت اکنون؟ «فَقَالَ الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ الْعَقْلُ تَعْرِفُ بِهِ الصَّادِقَ عَلَى اللَّهِ فَتُصَدِّقُهُ وَ الْكَاذِبَ عَلَى اللَّهِ فَتُكَذِّبُهُ». می فرمایند: عقل که با آن شخصی را که از طرف خدا ادعایی راستین دارد می شناسی. یعنی که از ناحیهی خدا آمده را تو با عقل می شناسی، پس تصدیقش می کنی و شخصی را که از طرف خدا ادعایی دروغین دارد با همین عقل می شناسی پس تکذیبش می کنی عقل را داده که تو بتوانی نبی را بشناسی، نبی را که بشناسی وحی را از طریق نبی می گیری، از طریق رسل می گیری، از طریق اهل البیت علیهم السلام می گیری، اگر نیاز بود هر کسی وحی را از طریق خودش بگیرد که چه لزومی داشت به این ها، ما می توانیم خوابی داشته باشیم، بله خواب داشته باشیم، کشف داشته باشیم، اما همین میز رحمانی و شیطانی دارد، این ها همه هست اما مؤید، فقط در تأیید است خواب هایی ببینیم که تعارض با وحی نداشته باشد، کشفی داشته باشیم تعارض با کشف نداشته باشد فقط تأیید است، فقط انگیزه است، یقینت را بیشتر می کند تذکر است، این اشکال ندارد، اما تا جایی که در تعارض نباشد، پس میزان شد چی؟ شد همان وحی، خواب به عنوان تأیید است، چرا؟ نمی توانیم خواب را بهش اعتماد بکنیم یا کشف را به خاطر این که معلوم نیست این رحمانی است یا شیطانی.